

منشأ امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم

علی اصغر تجری*
معصومه انصاری**

چکیده

نیاز جزء جدایی ناپذیر زندگی اجتماعی است، از این رو جوامع انسانی همواره با نیازهایی مانند تامین خوراک، پوشاک و مسکن روبه‌رو است. در این میان برخی از نیازها مانند امنیت که جنبه زیربنایی و اساسی دارد، گاهی از نظرها دور می‌ماند. اهمیت و جایگاه امنیت بدان حد است که فقدان امنیت، بهره‌مندی از دیگر مواهب الهی را ناممکن می‌سازد. این مقاله درصدد بررسی منشأ امنیت اجتماعی در آیات قرآن کریم است. براساس آیات ۲۳ حشر، ۱۲۵ بقره، ۶۷ عنکبوت، ۲۷ فتح، ۵۷ قصص، ۳۵ ابراهیم، ۱۱۲ نحل و ۵۵ نور، منشأ امنیت خداوند متعال است.

واژگان کلیدی

ایمان، مومن، امنیت اجتماعی، تفسیر اجتماعی.

mesbah8526@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۴

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

** کارشناس ارشد قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۲

طرح مسئله

جوامع انسانی با نیازهای گوناگونی روبه‌روست، بخشی از این نیازها، از اولویت و ضرورت بیشتری نسبت به سایر نیازها برخوردار هستند، به گونه‌ای که در صورت عدم تأمین آنها بشر با چالش‌ها و مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهد بود و شاید قادر به ادامه حیات خویش نباشد. نیازهایی مثل: تأمین خوراک، پوشاک و مسکن، همیشه در صدر این نیازهای بشری، مطرح شده‌اند که ضرورت آن بر عام و خاص پنهان نیست، اما آنچه اغلب از نظر برخی افراد، نادیده گرفته می‌شود و شاید بیش از سایر نیازها از اهمیت برخوردار باشد، تأمین امنیت اجتماعی برای برخورداری از سایر موهبت‌ها در زندگی است.

قرآن کریم، این کتاب انسان‌ساز و هدایتگر جوامع بشری، با تعالیم عالیه خود، همواره در فراروی پیروان خود و به طور کلی، تمامی بشریت، نور افشانی نموده و از هر آنچه لازمه سعادت ایشان بوده، ذره‌ای فرو گذار ننموده و فطرت‌های پاک انسانی را از مشرب خود، سیراب نموده است. از این‌رو برعهده خود انسان هاست که با بهره‌مندی از رهنمودهای حیات بخش آن، طی طریق نموده و راه قرب الهی را در پیش گیرند. از جمله نیازهای انسان‌ها و جوامع بشری، که قرآن کریم به آن پرداخته است، موضوع امنیت اجتماعی است، که در آیاتی از مصحف شریف به آن پرداخته شده است و این بیانگر جایگاه آن در نظام‌های اجتماعی، از نظر این کتاب الهی است؛ زیرا تنها در سایه برخورداری از امنیت است که انسان فرصت بهره‌مندی از سایر نعمت‌های خداوندی را به دست خواهد آورد و امنیت در اجتماع، بستری مناسب برای بروز و شکوفایی سایر استعدادهای انسان خواهد بود.

از دیدگاه قرآن، امنیت یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و از نعمت‌های بزرگ الهی است و در مواردی بر سایر نیازهای بشر اولویت دارد. در دنیای امروز، جامعه بشریت، خسته از انواع تهدیدها و اضطراب‌هاست. بشر امروز، بیش از هر چیز، طالب آسایش، آرامش و امنیت است تا با اطمینان زندگی کند. نگارش حاضر، به دنبال پاسخ به این سوال است که از نظر قرآن کریم منشأ امنیت اجتماعی چیست؟ نظر به اهمیت این موضوع پژوهش‌های چندی در این زمینه صورت گرفته که با توجه به گستردگی و تاثیر آن در ابعاد مختلف زندگی انسان هر یک به بعدی از ابعاد آن پرداخته‌اند، به عنوان مثال آیت‌الله جوادی آملی در کتاب جامعه در قرآن خود ضمن بررسی عوامل صعود جامعه از دیدگاه قرآن کریم، اشاره‌ای به این موضوع دارد و در بسیاری از تفاسیر نیز در ذیل آیات مورد بحث، به این موضوع توجه شده است و البته هر پژوهشی نگاه و ویژگی‌های خاص خود را دارد.

امنیت، از ریشه امن، به معنا «آرامش انسان و از بین رفتن خوف و ترس» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰) است. بنابراین منشأ امنیت اجتماعی؛ یعنی خاستگاه اطمینان و آرامش و زداینده خوف و

ترس. از آنجا که منشأ امنیت اجتماعی، خداوند متعال است که امنیت را به عنوان یکی از مواهب و نعمت‌های خود به بندگان عطا می‌کند، در آیاتی از قرآن کریم، به آن پرداخته شده است. از جمله در آیه ۲۳ سوره حشر می‌فرماید: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ او خدایی است که هیچ معبودی جز او نیست، فرمانروا، کاملاً پاک [از هر عیب و نقص]، سلامت‌بخش، ایمنی‌بخش، نگهبان، شکست‌ناپذیر، جبران‌کننده، بزرگ منش. منزّه است خدا از آنچه شریک [او] قرار می‌دهند.» در قاموس قرآن، درباره واژه «مؤمن» آمده است: «فعل أمن اگر متعدی بنفسه باشد به معنای ایمنی دادن است مثل: «وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ» یعنی: آنها را از ترس ایمن گردانید و «مؤمن» که از اسماء حسنی است از همین معنا است.» (قرشی، ۱۳۷۱: ۱ / ۱۲۴) بنابراین؛ «مؤمن» به معنای «ایمنی‌دهنده» است.

در این آیه بیان شده، خداوند، منشأ امنیت است و این موضوع به روشنی مشهود است؛ زیرا از اوصاف الهی «ایمنی‌دهندگی» است. علامه طباطبایی نیز می‌گوید: «کلمه «مؤمن» به معنای کسی است که به تو امنیت بدهد و تو را در امان خود حفظ کند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹ / ۲۲۲) بقیه آیات ناظر به امنیت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. آیه ۵۵ سوره نور

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و [کارهای] شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین خواهد کرد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین کرد و مسلماً، دینشان را که برای آنان پسندیده است، به نفعشان مستقر خواهد کرد و البته بعد از ترسشان [وضعیت] آنان را به آرامش مبدل می‌کند، درحالی‌که مرا می‌پرستند [و] هیچ چیز را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که بعد از آن کفر ورزند، پس فقط آنان نافرمان‌اند.

عبارت مورد نظر در این آیه، عبارت «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» می‌باشد. خداوند متعال در این آیه به صراحت خود را منشأ امنیت معرفی و می‌فرماید: خدا ترس شما را تبدیل به امنیت کرد.

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد: «جمله «وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» مانند جمله «وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ» عطف است بر جمله «لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ» و اصل معنا «لَيبدلن خوفهم امنا» بوده، به‌طور ساده‌تر اینکه در واقع باید می‌فرمود: «ترس ایشان را مبدل به امنیت کردیم» اما فرموده «ایشان را بعد از ترس، مبدل به امنیت کردیم» و تبدیل را به خود آنان نسبت داد، حالا یا از باب مجاز عقلی است و یا آنکه مضاف را چون معلوم بوده حذف کرده؛ زیرا جمله «مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ» می‌فهماند که آن محذوف خوف و تقدیر آن «لَيبدلن خوفهم» بوده و یا آنکه از این باب نبوده، بلکه کلمه «امنا» به معنای آمین بوده که در این صورت معنا این می‌شود که: خدا ایشان را بعد از ترسشان، مبدل کرد به امنیت و به هر حال، مراد از خوف آن ترسی است که مؤمنین صدر اسلام از کفار و منافقین داشتند.» (همان: ۱۵ / ۱۵۳)

بنابراین چون خداوند به‌طور واضح فرموده ترس آنها را مبدل به امنیت کردیم، پس خود او منشأ امنیت است.

۲. آیه ۱۱۲ سوره نحل

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ.

خدا مثلی زده: آبادی‌ای که امن [و] آرام بود، [و] روزی‌اش از هر جا فراوان و گوارا، به [مردم] آن می‌رسید [و] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، پس خدا به‌خاطر آنچه همواره با زیرکی انجام می‌دادند، [طعم] پوشش گرسنگی و ترس را به آن [مردم] چشاند.

اگرچه درباره واژه «آمنة» در کتب واژه‌شناسی قرآنی، چیزی یافت نشد، اما تصور می‌شود این واژه، اسم فاعل به معنای مفعول باشد؛ یعنی «امنیت یافته». بنابراین در عبارت: «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً»، کلمه «آمنة»، وصفی برای «قریه» است؛ یعنی خدا شهری امنیت یافته و دارای امنیت را مثال می‌زند. علامه طباطبایی در ذیل این آیه آورده است: «پس اتصاف قریه به این سه صفت که عبارت است از: امن، اطمینان و سرازیر شدن رزق از هر طرف بدانجا تمامی نعمت‌های مادی و صوری را برای اهل آن جمع کرده است و به‌زودی خدای سبحان نعمت‌های معنوی را در آیه بعدی که می‌فرماید: «وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ» بر آن نعمت‌ها اضافه می‌فرماید، پس این قریه، قریه‌ای است که نعمت‌های مادی و معنوی آن تام و کامل بوده است» (همان: ۱۲ / ۳۶۲) در توضیح اینکه چگونه این آیه و این بیان، دال بر منشأ امنیت بودن خداوند است، باید گفت، از ادامه آیه که می‌فرماید: «فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ»، چنین نتیجه‌ای حاصل می‌آید؛ زیرا

فاعل «أذاق» خدای متعال است؛ یعنی خدایی که آن شهر را امنیت بخشیده بود، در اثر ناسپاسی مردم، از آنها سلب نعمت و امنیت کرد. علامه همچنین می‌گوید: «آن خدایی که این دو را می‌چشاند قادر است بر دو چندان کردن و زیاد کردن آن به حدی که نتوان اندازه‌ای برایش تصور کرد و چگونه قادر نباشد و حال آنکه او خدایی است که تمامی قدرت‌ها به دست او است» (همان)

۳. آیه ۱۲۵ سوره بقره

وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمَنَّا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهْدًا إِلَىٰ
إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ.

و [یاد کنید] هنگامی که خانه [کعبه] را برای مردم محل بازگشت [و پاداش] و
امن [و امان] قرار دادیم و [گفتیم] از مقام ابراهیم، نمازخانه‌ای [برای خود]
برگزینید و با ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که: «خانه مرا، برای
طواف‌کنندگان و مجاوران و رکوع‌کنندگان سجده‌گر، پاک و پاکیزه کنید.»

واژه «جعل» به معنای «قرار دادن» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۱۱۱) «مثابه» از ریشه
«ثوب» است. ابن منظور می‌گوید: «ثَابَ الرَّجُلُ؛ یعنی، مرد بعد از رفتنش بازگشت و گفته می‌شود:
ثَابَ فُلَانٌ إِلَى اللَّهِ وَ ثَابَ؛ یعنی فلانی به اطاعت خدا بازگشت.» (همان: ۱ / ۲۴۳) راغب اصفهانی نیز
می‌گوید: «ثوب در اصل، بازگشت شیء است به حالت اولی که در آن بوده است.» (راغب اصفهانی،
۱۴۱۲: ۱۷۹) بنابراین، مثابه، به معنای بازگشت چیزی به حالت نخستین آن است. در این آیه که در
ارتباط با امنیت بخشی به خانه کعبه است و برخی احکام مربوط به خانه کعبه و تشریح حج در آن
آمده است، خداوند به صراحت به این موضوع اشاره می‌فرماید که ما خانه کعبه را محل بازگشت مردم
و امن قرار دادیم. علامه طباطبایی می‌گوید: «این آیه اشاره به تشریح حج و نیز امن بودن خانه [خدا]
و مثبت؛ یعنی مرجع بودن آن دارد.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۸۰) طبرسی نیز در ذیل آیه مورد
بحث می‌نویسد: خانه کعبه، به این مناسبت محل امن نامیده می‌شود که خداوند مقرر فرموده کسی
که به این خانه پناهنده شود، تا هنگامی که در آنجا است جان و مال او ایمن باشد و هرگز ترس به
خود راه ندهد و مردم به جهت عظمت و احترامی که برای این خانه قائل هستند، به کسی که خود را
در پناه آن قرار دهد، اصلاً متعرض نمی‌شوند.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۳۸۳ - ۳۸۲) بنابراین، سر منشأ
امنیت، خداوند است که امنیت را به خانه کعبه یا هر مکان دیگری که اراده کند، می‌بخشد. در تفسیر
نمونه نیز آمده است: «خانه خدا از طرف پروردگار به عنوان یک پناهگاه و کانون امن و امان

اعلام شده و می‌دانیم در اسلام، مقررات شدیدی برای اجتناب از هرگونه نزاع و کشمکش و جنگ و خون‌ریزی در این سرزمین مقدس وضع شده است، به طوری که نه تنها افراد انسان در هر قشر و گروه و در هرگونه شرائط باید در آنجا در امنیت باشند، بلکه حیوانات و پرندگان نیز در آنجا در امن و امان بسر می‌برند و هیچ کس حق ندارد مزاحم آنها شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱ / ۴۴۹)

ملاحظه می‌شود که این بیان نیز، بر اینکه منشأ امنیت، خدای متعال است تأکید می‌نماید و اگر خواسته شود شواهد بیشتری بر اینکه، خدا منشأ امنیت است، ارائه گردد، می‌توان به تفسیر کوثر نیز توجه نمود، آنجا که می‌نویسد: «حرم مکه که خانه کعبه در آن قرار گرفته است، از جانب خدا محل امن اعلام شده است حتی اگر کسی که باید حد بر او جاری شود به حرم مکه که خانه کعبه در آن قرار گرفته است، پناهنده شود، کسی حق ندارد تا وقتی که در حرم است به او حد جاری کند.» (جعفری، بی تا: ۱ / ۳۴۷) با توجه به مجموع آنچه از این آیه استنباط و بیان شد، در می‌یابیم که منشأ امنیت اجتماعی خداست.

۴. آیه ۶۷ سوره عنکبوت

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِالنِّعْمَةِ اللَّهُ يَكْفُرُونَ.
و آیا نظر نکرده‌اند که ما [مکه را] حرم امنی قرار دادیم، درحالی که مردم از اطرافشان ربوده می‌شدند؟ پس آیا به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند؟

این منظور می‌گوید: «رأی: اگر با یک مفعول متعدی شود، به معنای دیدن با چشم است و اگر با دو مفعول متعدی شود، به معنای دانستن است» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۲۹۱)؛ قرشی نیز می‌گوید: «رأی، به معنای دیدن، دانستن و نگاه کردن است» (قرشی، ۱۳۷۱: ۳ / ۳۴) همچنین ایشان از قول *اقرب الموارد* می‌گوید: «رأی و دیدن اعم است از آن که با چشم باشد یا با قلب. لذا باید در این گونه آیات [که در آنها «رأی» آمده] بگوییم: دیدن با قلب مراد است که همان دانستن و درک کردن است و هر جا که مناسب باشد می‌توان آن را علم؛ یعنی دیدن با قلب معنا کرد و لازم نیست در این باره در جستجوی دو مفعول باشیم.» (همان ۳۵) بنابراین، «رأی» در این آیه به معنای «دانستن» است. آنچه از این آیه مورد بحث است، عبارت «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا» می‌باشد که خداوند متعال با صراحت بیان می‌دارد، آیا آنها ندیدند که ما حرم امنی قرار دادیم ... ملاحظه می‌شود که در این آیه به این موضوع که خداوند، منشأ امنیت است به وضوح اشاره شده است. ابوالفتوح رازی در این زمینه می‌نویسد: «أَوَلَمْ يَرَوْا» هم بر سبیل مَتِّ و تذکیر نعمت گفت: «أَوَلَمْ يَرَوْا» نمی‌بینند اینان و نمی‌دانند

اهل مکه که ما مکه را حرمی کردیم ایمن؛ یعنی مأمون فیه.» (رازی، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۳۲۸) علامه طباطبایی نیز می‌گوید: «منظور از «حرم آمن» مکه و پیرامون آن است، که خدای تعالی آن را به دعای ابراهیم علیه السلام مأمون خلق قرار داد ... آیا نمی‌نگرند که ما حرم امنی درست کردیم که ساکنین آن در معرض قتل و اسارت قرار نمی‌گیرند و اموالشان غارت نمی‌شود، با این که بیرون این شهر مردم مشغول غارت و چپاول یکدیگرند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۱۵۱ - ۱۵۰) ملاحظه می‌شود با توجه به آنچه بیان شد، در این آیه نیز خداوند، به‌عنوان منشأ امنیت معرفی شده است. البته این مطلب نیز دور از نظر نیست که در این آیه امنیت به‌طور خاص و مقید به حرم امن الهی مطرح گردیده است. طبرسی نیز می‌نویسد: «أَوْ لَمْ يَرَوْا» آیا ندیدند و ندانستند این کفار که: «أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا» ما گردانیدیم حرمی - چون مکه - را محل امن که مردم آن سامان از قتل و غارت در ایمنی هستند. درحالی که کشته می‌شوند مردمان از پیرامونشان - در بیرون حرم به واسطه جنگ‌ها و نزاع‌هایی که دارند - و ایشان در حرم - حریم شهر مکه - در امنیت‌اند.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸ / ۴۵۸) پس طبرسی نیز در این آیه خداوند را به‌عنوان منشأ امنیت معرفی می‌کند. نکته قابل توجه اینکه ایشان، واژه «تَخَطَّفَ» را «کشتن» معنا نموده‌اند، درحالی که این واژه به‌معنای «ربودن» است.

شیخ طوسی نیز بیان می‌کند: «خداوند متعال به این کفار می‌فرماید: «أَوْ لَمْ يَرَوْا» و معنای آن این است، آیا ندانستند «أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَ يَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ»؛ یعنی، مردم را از اطراف مکه به سرعت می‌ربودند و اموالشان را غارت می‌کردند ... و با این کار [یادآوری نعمت‌ها]، آنان را به نعمت‌هایی که خدا به آنها داده و آنها را غرق در آن [نعمت‌ها] نموده، آگاه می‌کند، به اینکه آنها را در امنیت قرار داده، درحالی که در اطرافشان، مردم را می‌ربودند و غیر از خدا قادر به این کار نبود.» (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۲۲۶)

زمخشری نیز تأیید می‌کند که اطراف مکه ناامن ولی مکه در امنیت بود: «بعضی اعراب اطراف مکه، با بعضی دیگر می‌جنگیدند و یکدیگر را قتل و غارت می‌کردند، درحالی که اهل مکه، با اینکه تعدادشان کم و تعداد اعراب زیاد بود، در آن [مکه] در امنیت بودند و آنها را غارت نمی‌کردند و خدا این نعمت‌های مخصوص را به آنها یادآوری می‌کند.» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۶۴) طبق این سخن ایشان نیز نعمت امنیت و منشأ آن را با استناد به آیه، خداوند متعال معرفی می‌کند.

۵. آیه ۲۷ سوره فتح

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا.

به یقین، خدا به فرستاده‌اش، در خواب، به حق راست گفت که اگر خدا بخواهد، قطعاً، با امنیت وارد مسجدالحرام می‌شوید، درحالی‌که سرهایتان را تراشیده و [یا] کوتاه کرده‌اید [و از کسی] نمی‌ترسید؛ و [خدا] می‌دانست آنچه نمی‌دانستید؛ و جز این، پیروزی نزدیکی [برای شما] قرار داده است.

در ارتباط با شأن نزول آیه، طبرسی چنین می‌نویسد: «می‌گویند: خداوند در مدینه پیش از حرکت به سوی حدیبیه در خواب به پیامبرش نشان داد که مسلمانان وارد مسجدالحرام شده‌اند، حضرت جریان خواب خود را به یارانش فرمود، مسلمانان خوشحال شدند و فکر می‌کردند که آنان امسال وارد مکه خواهند شد، پس از آن که از حدیبیه بازگشتند و وارد مکه نشدند، منافقان گفتند: نه ما سر تراشیدیم، نه تقصیر کردیم و نه وارد مسجدالحرام شدیم، خداوند این آیه را نازل فرمود و خبر داد که خداوند در خواب به پیامبرش راست نشان داده است نه دروغ، و عاقبت مسلمانان وارد مسجدالحرام خواهند شد و بر این معنا هم سوگند خورده می‌فرماید: «لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»؛ یعنی سال آینده حتماً وارد مسجدالحرام خواهید شد.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۱۹۰) آنچه از این آیه مورد استناد این بحث است، عبارت «لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ» می‌باشد. شیخ طوسی در این زمینه می‌گوید: «لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» گویا گفته شده به اراده خدا؛ و بلخی می‌گوید: معنای «إِنْ شَاءَ اللَّهُ»؛ یعنی، خدا شما را به آن فرمان داد؛ زیرا اراده الهی به کار بندگانش، همان فرمان او به آن است و «آمِنِينَ»؛ یعنی هیچ ترسی بر شما نیست.» (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۳۳۵) ممکن است در این بیان به‌طور مستقیم به منشأ امنیت اشاره نکرده باشد، اما هر کاری که به اراده و مشیت و فرمان الهی باشد، قطعاً نشئت گرفته از اوست، پس منشأ امنیت نیز، خود اوست. علامه طباطبایی نیز می‌نویسد: «و معنای آیه این است که: سوگند می‌خورم که خدا آن رؤیایی که قبلاً نشانت داده بود، تصدیق کرد، آن رؤیا این بود که به زودی، شما ای مؤمنین داخل مسجدالحرام خواهید شد ان شاء الله، درحالی‌که از شر مشرکین ایمن باشید.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۲۹۰) از آنجا که عبارت «إِنْ شَاءَ اللَّهُ» همان معنای اراده و خواست خدا را می‌دهد، پس منشأ ورود به مسجدالحرام در حال امنیت نیز، خداست. طبرسی نیز می‌گوید: «و بعضی گفته‌اند ... در مورد اصل وارد شدن [به مسجدالحرام] جای تردید نیست، و تقدیرش این است: شما حتماً وارد مسجدالحرام می‌شوید و اگر خدا بخواهد با امنیت وارد خواهید شد.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹ / ۱۹۰) همان‌طور که گفته شد، معنای خواست و اراده الهی، همان نشئت گرفتن از جانب اوست و چون خدا می‌خواهد با امنیت وارد مسجدالحرام شوند، پس منشأ امنیت نیز خود اوست.

۶. آیه ۵۷ سوره قصص

وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَفُّ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ
نَمْرَاتٌ كُلُّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

و گفتند: «اگر به همراه تو از هدایت [اسلام] پیروی کنیم، از سرزمینمان ربوده می‌شویم.»
و آیا آنان را در حرم امنی مستقر نساختم، که محصولات هر چیزی به‌سوی آن [شهر]
آورده می‌شود؟! درحالی‌که روزی‌ای از جانب ماست و لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند.

در *المفردات فی غریب القرآن*، در رابطه با واژه «مکن» که ریشه واژه قرآنی «تمکن» در این آیه
است، چنین آمده است: «مکن: المکان، نزد اهل لغت به معنای محلّ دربردارنده شیء است.»
(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۷۲) عبارت مورد نظر در این آیه، عبارت «أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا»
می‌باشد. در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است: «آیا ما حرم امنی در اختیار آنها قرار ندادیم ... خدا
قدرت خود را به خوبی نشان داده است، کسی که چنین قدرت‌نمایی کرده و این همه امنیت و نعمت را
در چنین سرزمینی قرار داده و با چشم خود آثار آن را می‌بینید و سال‌ها از آن بهره گرفته‌اید و ...»
(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۱۱۹ - ۱۱۸) ملاحظه می‌شود که در این بیان، خداوند به‌عنوان منشأ
امنیت معرفی شده است. علامه طباطبایی نیز می‌نویسد: «خدای تعالی سخن ایشان [کسانی که برای
ایمان نیاوردنشان بهانه‌جویی می‌کنند] را رد می‌کند، به این که ما شهر ایشان را برایشان حرم امن
کردیم ...» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶ / ۶۰) طبرسی نیز آورده است: «أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا» آیا
مکه را پیش از این حرم امن و امان قرار ندادیم و ضرر و زیان مردم را از ایشان دور نکردیم تا با
امنیت و آسایش در آن زندگی کنند.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۴۰۷)

ابوالفتوح رازی نیز می‌نویسد: «حق تعالی گفت: می‌گویند: اگر چنان‌که ما متابعت دین اسلام کنیم با
تو، ما را از زمین مکه برابیند. آن‌که به جواب او گفت: «أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا» نه ما ایشان را
حرمی ایمن کرده‌ایم، برای آنکه عرب را عادت بودی که یکدیگر را غارت کردند و یکدیگر را
کشتندی جز اهل مکه، که ایشان ایمن بودندی برای حرمت حرم.» (رازی، ۱۴۰۸: ۱۵ / ۱۵۴) ملاحظه
گردید که در این بیانات نیز، خداوند متعال منشأ امنیت، دانسته شده است. شیخ طوسی نیز، همین را
می‌گوید و می‌نویسد: «آیه می‌رساند که، ما حرم را به احترام خانه [کعبه] امن قرار دادیم ...» (طوسی،
بی‌تا: ۸ / ۱۶۵) زمخشری نیز همین نظر را در مورد منشأ امنیت دارد. (بنگرید به: زمخشری، ۱۴۰۷:
۳ / ۴۲۳) ملاحظه شد که این آیه، در پاسخ بت‌پرستان و بهانه‌جویانی که دنبال توجیه برای عدم پاسخ

به دعوت پیامبر اکرم ﷺ هستند و ترس از ربه شدن و قتل و غارت را، بهانه قرار می‌دهند، فرمود: «أَوْ لَمْ تُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا؛ و آیا آنان را در حرم امنی مستقر نساختم.» این بخش از آیه در تفاسیر مختلف، مورد بحث و استناد قرار گرفت و نتیجه همه آنها این بود که خداوند متعال منشأ امنیت است.

۷. آیه ۳۵ سوره ابراهیم

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ.
و حتماً شما را بعد از آنان در زمین سکونت خواهیم داد؛ این برای کسی است که از جایگاه [داوری] من ترس داشته باشد و از تهدید [من] بترسد.»

این آیه یکی از دعاهای حضرت ابراهیم ﷺ است که از خداوند می‌خواهد، به سرزمین مکه امنیت ببخشد. همین که حضرت ابراهیم ﷺ از خدا طلب امنیت می‌کند، دال بر این است که، امنیت بخشی تنها از جانب خداوند متعال است. استاد قرائتی در ذیل آیه مذکور می‌نویسد: «مراد از «جعل امنیت»، قانونی است که امنیت مکه را تضمین کند، نه آنکه مکه، در طول تاریخ امن بوده است؛ زیرا کعبه بارها مورد هجوم دشمنان قرار گرفت و در مکه خون‌ها ریخته شد و خود پیامبر اسلام ﷺ و یارانش شکنجه شدند و امام حسین ﷺ به دلیل ناامنی مکه، حج را رها کرد، اما قانون الهی آنجا را منطقه امن قرار داده است.» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۶ / ۲۹۳) این سخن ضمن بیان یک واقعیت اجتماعی و به‌گونه‌ای ناخرسندی از عملکرد و برخورد انسان‌ها با قوانین الهی، با بیان اینکه «قانون الهی آنجا را منطقه امن قرار داده است»، مدعای این نوشتار را در خصوص منشأ امنیت، اثبات می‌کند. ابوالفتوح رازی نیز می‌گوید: «وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا»، حق تعالی گفت: یاد کن ای محمد، چون گفت ابراهیم بر سبیل دعا و تضرع: «رَبِّ» خدای من و پروردگار من! کن این شهر را - یعنی شهر مکه را - ایمن، یعنی شهری که مردم در او ایمن باشند ... حق تعالی این دعا به اجابت مقرون کرد و این شهر را که مکه است چنان ایمن کرد که هیچ وحش و مرغ در او خایف نباشد از خصم خود ... و اگر کسی ده کس بکشد و در آنجا گریزد، تا آنجا بود ایمن بود.» (رازی، ۱۴۰۸: ۱۱ / ۲۸۴) ملاحظه می‌شود که این اجابت، به‌معنای اعطای امنیت، از جانب خداست. طبرسی نیز آورده است: «گویند: وقتی که ابراهیم ﷺ از بنای کعبه فارغ شد، این دعا را به درگاه خداوند کرد ... خداوند دعای ابراهیم ﷺ را مستجاب کرد؛ تا آنجا که اگر کسی قاتل پدر خود را می‌دید، متعرض او نمی‌شد.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۸۹)

با توجه به مطالب پیش گفته لازم است به این سؤال پاسخ داده شود که جعل امنیتی که در آیات فوق به آنها اشاره شده، جعل تشریحی بوده یا تکوینی؟ در پاسخ باید گفت: با توجه به آیه ۳۵ سوره ابراهیم، مبنی بر تقاضای ایشان از خداوند برای امن قرار دادن مکه، از نوع «جعل تشریحی» بوده است - که ممکن است ارتباط زیادی با بحث حاضر نیز نداشته باشد -؛ زیرا در تفسیر المیزان ذیل آیه مذکور آمده است: «مقصود از امنیتی که آن جناب درخواست کرده امنیت تشریحی است، نه تکوینی. مقصود این است که قانونی امنیت این شهر را تضمین کند، نه اینکه هر که خواست امنیت آن را بر هم زند - مثلاً - دستش بخشکد، و همین امنیت - برخلاف آنچه شاید بعضی توهم کرده باشند - نعمت بسیار بزرگی و بلکه از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی است که خداوند بر بندگان خود انعام کرده است.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۶۹)

اما از بررسی سایر آیات، استنباط می‌شود که این جعل از ناحیه خداوند، جعل تکوینی باشد، به عنوان مثال در آیه ۵۷ سوره قصص آمده است: «أَوْ لَمْ تُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا»، این جعل، از نوع تکوینی است.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه نیز آورده است: «بعضی گفته‌اند «تمکین» متضمن معنای جعل و قرارداد است، و معنای جمله این است که مگر ما برای آنان حرم امنی قرار ندادیم، تا در آن جای گیرند بعضی دیگر گفته‌اند: کلمه «حرماً» منصوب به ظرفیت است و معنای جمله چنین است: «آیا ما ایشان را در حرمی امن جا ندادیم» و کلمه «آمناً» صفت آن ظرف است؛ یعنی در حرمی جا دادیم که دارای امنیت است و اگر حرم را دارای امنیت توصیف کرد، با اینکه اهل آن امنیت دارند، از باب مجاز در نسبت است و جمله عطف است بر محذوف، و گرنه در اول آن واو عاطفه نمی‌آمد، بلکه می‌فرمود: «أَلَمْ نَمَكِّنْ» پس تقدیر آن چنین است: «أَلَمْ نَعْصِمَهُمْ وَنَجْعَلْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا، ممکنین ایاهم - آیا ایشان را مصونیت ندادیم و حرمی امن در اختیارشان نگذاشتیم، که در آن جای گیرند.» (همان: ۱۶ / ۶۰)

بدین ترتیب، استنباط نگارنده بر این است که موضوعیت جعل در آیه ۳۵ سوره ابراهیم، جعل تشریحی است و این موضوع با تقاضای حضرت ابراهیم علیه السلام صورت پذیرفت، اما با توجه به سایر آیات در این خصوص و نگاهی به تاریخچه این سرزمین مقدس و «دحو الأرض» و سایر خصوصیات این مکان شریف، این جعل از نوع جعل تکوینی است. از مجموع آنچه در بررسی آیات، حاصل شد، دریافت می‌شود که خداوند متعال، مصدر و منبع و منشأ امنیت است.

نتیجه

با توجه به آیه ۲۳ سوره حشر خداوند ایمنی بخش و از آیه ۱۲۵ سوره بقره و آیه ۶۷ سوره عنکبوت، دریافت می‌شود که منشأ امنیت خداوند است. همچنین با عنایت به آیه ۲۷ سوره فتح، نتیجه می‌شود که، این وعده خداوند به پیامبر ﷺ و مسلمین، مبنی بر اینکه با امنیت وارد مسجدالحرام خواهید شد، گویای این است که، منشأ امنیت خداوند متعال است. در آیه ۵۷ سوره قصص، به موضوع قدرت‌نمایی خداوند که مبین منشأ امنیت بودن اوست، اشاره شده است.

آیه ۳۵ سوره ابراهیم نیز نشان می‌دهد که طلب ابراهیم ﷺ از خداوند متعال، برای امنیت بخشیدن به سرزمین مکه، دال بر این است که منشأ امنیت خداوند است. همچنین از آیه ۱۱۲ سوره نحل چنین برآمد که خداوند امنیتی را که به اهل آن قریه بخشیده بود، به سبب ناسپاسی از آنان سلب فرمود. با استفاده از آیه ۵۵ سوره نور نیز مشخص شد که این خداوند است که امنیت بخش بوده و خوف را تبدیل به امنیت می‌کند. بنابراین، تمامی مستندات، حاکی از این است که منشأ امنیت اجتماعی خداوند است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دارصار، ج ۳.
- جعفری، یعقوب، بی تا، تفسیر کوثر، بی جا، بی نا.
- رازی، ابوالفتح حسن بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت و دمشق، دار العلم و الدار الشامیة.
- زمخشری، جار الله محمود، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، ناصر خسرو.

منشأ امنیت اجتماعی از منظر قرآن کریم □ ۱۵۳

- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ۱۱.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ ۶.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۸، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مدرسی، سید محمد تقی، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، ترجمه جمعی از مترجمان مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیة.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی